

هادی دوست محمدی

آرامرونی در رشد و تکامل جامعه

این باغبان برای پرورش نهال و گل علاوه بر اینکه، زمین را آماده می‌کند، آب لازم را به درختها و گلها می‌رساند، از "کودها" برای رشد و نمو آنها استفاده می‌کند و... فیچی و ارهای نیز در دست دارد، علف‌هرزه‌ها و گیاهان خودروومزاحم را می‌چیند، شاخه‌های خشک را که مانع پرورش نهال و گل هستند، می‌برد و برای نگهداشتن از آفات و آلودگیها، از سمپاشیهای به‌موقع استفاده می‌کند.

هرگز اجازه نمیدهد که حیوانی حتی از میان گلها عبور نماید!
و بالاخره با این کوششهای مداوم به‌گونه‌های مثبت و منفی باغ و گلستان پرگل و نمری در اختیار مردم قرار میدهد.

گلستان جامعه

آیا کدام باغ و گلستانی از گلستان "جامعه" زیباتر، والاتر، مفیدتر و مهم‌تر

یک نفر باغبان وارد، علاقمند و دلسوز، برای پرورش دادن نهالهای سالم و به دست آوردن میوه‌ها و گلهای زیبا، همیشه به نهالستان و گلستان توجه دارد، اگر در مقابل او کودکی یا دیوانه‌ای به گلبرگها و شکوفه‌ها یا به شاخه‌های نهالی دست بزند و برگ گلی پژمرده گردد و یا شاخه‌ای خم شود، طپش قلب باغبان غیر عسادی می‌گردد، چهره‌اش برافروخته می‌شود. و حتی از شدت ناراحتی، در حال صحبت، کلمات را جویده جویده و با لرزش لبها سخن می‌گوید و بی اختیار فریاد می‌زند: نکن! زیرا نهال و گل را همچون جان خود دوست میدارد، آنها ثمره زحمات و کوششهای شبها و روزهای طولانی او هستند نهال و گل مانند فرزندان عزیز وی می‌باشند از پژمردن گلها و شکستن شاخه‌ها، به همان اندازه متأثر می‌گردد که نقاش هنرمندی از شکستن تابلوی نقاشیش یا ریختن رنگ به روی آن!

است؟

آیا اینچنین نیست که زیبایی گلها طراوت چمن‌ها، صحراها، ثمره باغها و نهالها نیز برای جامعه و انسانهاست؟

پس هرچه بیشتر لازم است به این باغ، به این گلستان، به انسانها ببیندیشیم! انسان بی‌پرورانیم و انسان تحویل دهیم تا جامعه‌ای انسانی داشته باشیم. امروز آنچه که کمتر به آن توجه می‌شود، انسانیت انسانها است و وسایل تربیت و راهها و روشهای پرورش‌سازندگی از هرزمانی بیشتر و سهلتر و مدرن‌تر است ولی متأسفانه، نه برای انسان. بلکه انسان اسیر مظاهر مادی گشته و اصالت خود را از دست داده است، و از این وسائل، معمولاً درست برضد انسان و برخلاف مبانی تربیتی استفاده می‌شود و عملاً مفسد و آلودگیها و فحشاء ترویج می‌گردد!

شگفت اینجا است که بسیاری از افراد که سنگ انسانها را به سینه می‌زنند و از فجایع و مفسد می‌نالند، در رواج دادن فساد و خیانت، هیچگونه تفاوتی با فاسدها و خائن‌ها ندارند و گویا فساد و خیانت، مفهوم دیگری برای آنان پیدا کرده است! و این حقیقت از روش‌وحركات آنان به روشنی محسوس و نمایان است برخی از اینان گمان کرده‌اند که آزاد گذاشتن مردم به این است که در پیروی از مفسد و شهوترانها، آزاد باشند و براین اصل از این گونه

اعمال، جلوگیری نمی‌کنند و مردم را باز نمی‌دارند و عده‌ای دیگر با کمال تأسف هرزگی و فساد را دلیل آزادی و روشنفکری میدانند!

در پرورش نهالهای اجتماع نیز همچنانکه باید به جنبه‌های مثبت توجه گردد، در برنامه‌های فرهنگی جامعه دقت شود، از اصول صحیح تعلیم و تربیت بهره برداری گردد، لازم است با عوامل منفی نیز مبارزه شود، در کنار ایجاد رشد عقلانی برای مردم، تاخود درک کنند، وسایل و ابزار و عوامل پستیها و مفسد را نیز باید از میان برداشت.

این تناقض است که شخص از فساد ویستی بیزار باشد و ابراز تنفر نماید، ولی بذرفساد ویستی بیفشانند، در مقالات گذشته خاطرنشان ساختیم که باید عوامل را تشخیص دهیم و آنانرا کنترل و اصلاح نمائیم یا از میان برداریم وگرنه تمام زحمات افراد دلسوز و مسئول، نقش بر آب خواهد شد.

فی‌المثل همه دنیا از زیانهای مشروبات الکلی فریاد می‌کشند و قتلها و جنایات بیشماری از این عامل مشاهده می‌شود و مطبوعات دنیا هرروز اخبار ناراحت کننده‌ای را مربوط به این عامل، درج می‌کنند ولی با کمال وقاحت این‌ماده سمی و این عامل فضیلت کش، رواج دارد و حتی گهگاه برخی از جرایم برای کمبودش اشک

شدیدا به عنوان " حرام " نهی شده و ممنوع گشته است و مرتکبین و عاملین و مروجین اینگونه اعمال و حرکات غیر انسانی بکیفر مخصوص آن عمل، می‌رسند و در نتیجه در جامعه اسلامی، هیچکس حق ندارد کاری را انجام دهد که به حال اجتماع زیان داشته باشد.

در قرآن مجید معمولا هر جا به انجام یک کار انسانی " امر " شده در کنار آن بگونه‌ای از عمل غیر انسانی " نهی " گشته است.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ
إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^۱ در حقیقت
خدا مردم را به دادگری و نیکوکاری و
رسیدگی به خویشان و بستگان " امر " می‌کند و از فحشاء و زشتیها و ستمگری
" نهی " مینماید، او شمارا پند میدهد تا
بلکه متذکر گردید.

آیاتی که مربوط به قانون انسانی و زندگی ساز " امر به معروف و نهی از منکر " می‌باشند عموما در کنار " امر " و دعوت به نیکبها " نهی " باز داشتن از بدیها، مسلم و همیشگی است تا آنجا که این قانون یکی از وظایف قطعی و واجب دینی مسلمانان است. و همه مردم وظیفه دارند تحت شرایطی، جلوی مفاسد و جنایات و آنچه را که به زیان فضایل انسانی است بگیرند. تا

تمساح می‌ریزند و عده‌ای هم برای خدمت بخلق پیشنهاد مالیات آن را لازم نمیدانند و لغو می‌فرمایند! اینجا است که تناقض‌ها و تضادهای خوبی‌روشن می‌گردد! یا اینکه مدتهاست از فیلمها و سریالهای ضد انسانی که در جوامع کنونی مخصوصا در میان نوجوانان و کودکان جز قتل و جنایت و فساد، نتیجه دیگری ندارند، انتقاد می‌شود و فریاد همه مردم در تمام نقاط جهان برخاسته ولی اینچنین به نظر می‌آید که یادست آنان که بسسذر فساد را می‌باشند قوی‌تر است یا اینکه، مدعیان دفاع از فضایل انسانی و مبارزین با مفاسد! دروغ می‌گویند و مردم را فریب می‌دهند، و اگر نه چگونه کسی که فساد را نمی‌خواهد تخم آن را می‌پاشد و مانع آن نمی‌شود؟!!

روش اسلام

در آئین اسلام، همچنان که عوامل رشد انسانها و تکامل بشری، به عناوین مختلف ترویج و تبلیغ شده و به صورت قانون " واجب " گشته و عموم مردم، مامور و موظف به انجام دادن آنها هستند و هیچکس اجازه ترک آنها را ندارد.

از عوامل منفی و آنچه که موجب تباهی، فساد و آلودگی گردد و سبب تخدیر افکار مردم و به رشد جامعه زیانبخش باشد

میشناهند، هم اینان، صالحین و شایسته
گانند.^۲

و در جای دیگر می‌فرماید شما
بهترین امتی هستید که برای ارشاد و هدایت
مردم آفریده شده اید که به نیکیها و طاعات
امر می‌کنید و از بدیها و منکرات نهی
می‌نمائید و به خدا ایمان دارید.^۳

پس برای رشد و تکامل انسانی جامعه،
همچنانکه باید از همه وسایل مفید و
مثبت استفاده نمائیم و خون سالم به‌رگها
و شریانهای اجتماع برسانیم، خشکاندن
مردابه‌های فساد و نابود کردن میکربها و
باکتریهای رذایل، نیز از وظایف ما است!

آنجا که یکی از بارزترین علل عظمت و
برتری مسلمانان را بر دیگران در این میدانند
که آنان به نیکیها امر می‌کنند و مردم را از
زشتیها و بدیها باز میدارند امر به معروف و
نهی از منکر مینمایند.

اینان "افراد با فضیلت و شایسته‌ای
هستند که" به خدا و جهان دیگر ایمان
دارند و به نیکیها "تمام فضایل انسانی و
معارف الهی" فرمان میدهند و از ناپسندیها
و بدیها و زشتیها و همه کارهای ناپسند و
مخالف دستورهای الهی، جلوگیری می‌کنند
و خویشان نیز به انجام امور خیر و نیکیها

۱- کیهان ۱۰۴۸۸ ص ۲

۲- سوره نحل آیه ۹۵

۳- سوره آل عمران آیه ۱۰۴

۴- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ. سوره آل عمران آیه ۱۱۰

خود لازم نمیدیدند اصنام آنها با صورت واقعی معبود منطبق گردد و لذا برای
هریک از ستارگان ثابت و سیاره‌ها، بتنهائی ساخته و اصنامی را پرداخته بودند که
هرگز با آنها هم شکل و هم صورت نبودند، مانند خدای جنگ، خدای صلح،
خدای محبت و عشق، خدای علم و... ولی در تمام این نوع بت پرستیها یک
انگیزه بیش نبود و آن اینکه می‌خواستند امور معنوی را در قالب محسوسات مجسم
سازند و چون این نوع خدایان از قلمرو حس بیرون بودند و ستارگان نیز برای
خود طلوع و غروب داشتند و توجه به آنها خالی از مشقت نبود، از این جهت
بتمثال آنها توجه نموده و آنها را میپرستیدند.